

عنوان مقاله:

فلسفه ی آموزش علوم

محل انتشار:

چهارمین کنفرانس علمی رهیافت های نوین در علوم انسانی ایران (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسنده:

مهرداد برون

خلاصه مقاله:

پژوهش حاضر از فرآیند یادگیری بعنوان یادگیری گنج درون که بر یادگیری برای دانستن - یادگیری برای انجام دادن - یادگیری برای بودن و یادگیری برای باهم زیستن است یاد نموده و این مهم را با بازاندیشی و باز سازی ساختارها و نظام آموزشی قابل تحقق می داند. در این مقاله روند تحول برنامه درسی علوم تجربی از زمان سقراط و افلاطون تا کنون مورد بررسی قرار میگیرد. علوم بعنوان یک دستگاه جزئی در قرون وسطی آزادی خود را از دست می دهد. برنامه درسی دانش آموز محور در طول قرن شانزدهم پیشنهاد گردیده و دکارت بر تجربه اندوزی در کتاب بزرگ جهان از روی روش نظم تکیه می نماید. مطالعات برنامه درسی از قرن بیستم شروع میگردد و مکاتب سنت گرایی تجربه گرایی مفهومی و رفتارگرایی اجتماعی تحول عظیمی را در علوم بوجود می آورند و بالاخره دیدگاه های نوین آموزش علوم، بر تحول یادگیری بصورت فرآیندی فعال و سازنده و حاصل تعامل معلم و دانش آموزان تکیه می کند. فلسفه علوم نیز لزوم محتوی آموزشی نوین را با پرداختن به آموزش فعال علوم معلوم داشته و اهداف آموزش علوم را دستیابی به مفاهیم و دانستنی های ضروری در زمینه های اصلی علوم تجربی (فیزیک - زیست - زمین شناسی و بهداشت) و مهارت های ضروری به منزله آموختن راه یادگیری و تغییر نگرش ها می داند که این نگرش ها دانش آموز را برای شرکت در فعالیتهای خاص اجتماعی و مسئولیت پذیری در جامعه بین المللی و دهکده جهانی آماده می نماید. نهایتاً دو رویکرد آموزش فعال و مبتنی بر همیاری و یادگیری سنتی و رقابتی با یکدیگر مقایسه می شوند و برتری های روش های دانش آموز محور بر روش های سنتی مورد بحث قرار می گیرد. در نتیجه گیری تغییر نگرش معلمین علوم در رابطه با آموزش فعال و دانش آموز محور بعنوان راهکاری در جهت اجرای تدریس موفق و موثر پیشنهاد گردیده است زیرا با توجه به تحقیقات انجام شده مبانی فکری و فلسفی در شخصیت و رفتار معلم و بالتبع در تسلط بر مسائل علمی و ایجاد انگیزش های ارزشی مثبت حائز اهمیت است.

کلمات کلیدی:

فلسفه، آموزش علوم، یادگیری، تاریخ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/968939>

